

قهر و غلبه، عامل اصلی تداوم حاکمیت

۱۳ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۶

در بیشتر دوره‌های تاریخ گذشته ایران، اقتدار سلسله‌ها و حکومتها بر قهر و غلبه مبتنی بود و بزرگ‌ترین دلیل بر حقانیت یک فرد یا گروه برای حکومت کردن، در دست گرفتن قدرت بود و این عامل حقانیت تا زمانی که فرد یا گروه قوی‌تری قدرت را از آنان نستانده بود اعتبار و کارکرد خود را حفظ می‌کرد، البته نمی‌توان منکر این امر شد که...

در بیشتر دوره‌های تاریخ گذشته ایران، اقتدار سلسله‌ها و حکومتها بر قهر و غلبه مبتنی بود و بزرگ‌ترین دلیل بر حقانیت یک فرد یا گروه برای حکومت کردن، در دست گرفتن قدرت بود و این عامل حقانیت تا زمانی که فرد یا گروه قوی‌تری قدرت را از آنان نستانده بود اعتبار و کارکرد خود را حفظ می‌کرد، البته نمی‌توان منکر این امر شد که در برهه‌هایی از تاریخ، پادشاهان و سلاطین ایران مانند غزنویان، آل‌بویه و... برای مشروعیت بخشیدن به قدرت و حکومت خود، به نام خلیفه عباسی خطبه می‌خواندند و خود را عامل و کارگزار خلیفه معرفی می‌کردند، در حالی که عملاً قدرت آنان را در بیشتر مناطق فارس (ایران) نادیده می‌گرفتند، اما باید توجه داشت که این‌گونه اعمال و مراسم پس از به قدرت رسیدن این پادشاهان و استیلای عملی آنان بر تمام یا بخشی از کشور صورت می‌گرفت و در واقع بیش از آنکه معطوف به کسب اقتدار در مقابل جامعه و توده مردم باشد، به تحکیم موقعیت آنها در برابر رقیبان بالقوه و بالفعل می‌انجامید.

به نظر می‌رسد این امر در مورد بخشی از دوران حکومت سلسله قاجار نیز به نوعی صدق می‌کند، زیرا در اوایل حکومت این سلسله یعنی دوران سلطنت آغامحمدخان و فتحعلی شاه مسئله اذن فقیه به پادشاه برای در دست گرفتن زعامت جامعه مطرح بود و در واقع می‌توان گفت این نیز به موقعیت متزلزل ایشان، به‌ویژه فتحعلی شاه در مقام رقیبان قدرتمند در میان خاندان قاجار و... و سپس نیاز به حمایت علما از دولت در جنگ با روسها برمی‌گشت، اما به تدریج با مستحکم شدن موقعیت شاه قاجار، مسئله اذن و... کمرنگ می‌شود تا اینکه در برهه‌هایی حمایت قدرتهای خارجی (روس یا انگلیس) از ولیعهد و پشتیبانی آنان از وی در رسیدن به سلطنت نقش اصلی را در تحکیم قدرت او در میان مدعیان و رقیبان بازی می‌کند.

در حکومت قاجاریه شاه در رأس هر قدرت جای داشت و هیچ‌گاه در ظرف نظارت همگانی جامعه قرار نمی‌گرفت و مشروعیت خویش را نه از مردم، بلکه از جباریت سیاسی می‌گرفت. الیگارش‌ی حاکم هرم قدرت را بر اساس تمنیات خود ترتیب داده بود و هرم طبقاتی و نقش‌های اجتماعی بر اساس خون، زر و زور تعیین می‌شد، بنابراین اقشار پایین دست جامعه برای رسیدن به مراتب بالای هرم مذکور سعی می‌کردند تا با ابزار متفاوت پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند. ابزار و راه‌های ارتقای منزلت اجتماعی برتر بیشتر بر چاپلوسی، ریا و تحمیق دیگران استوار بود. بدیهی است تحرک اجتماعی در چنین نظامی اگر چه مبتنی بر ساختار طبقاتی باز بود، بسیار کند صورت می‌گرفت.

این در حالی بود که در رأس هرم قدرت، شاه و شاهزادگان قرار داشتند و قاعده آن را روستاییان و کارگران فقیر شهری تشکیل می‌دادند، جنگ‌سالاران، پیشه‌وران و تجار نیز هر یک به فراخور نقش اجتماعی خویش گوشه‌ای از این هرم را اشغال کرده بودند. ۱

افزون بر آن، نبود یک نظام دادگستر نیز باعث شده بود تا در گوشه گوشه کشور هر کسی به فراخور شرایط خاص خود از عدالت اجتماعی به دور بماند و استبداد سیاه شرقی به طرق گوناگون از دفن عدالت در هوسهای زورمداران هیچ پروایی نداشته باشد.

در چنین شرایطی نظام سیاسی قاجار بر تمرکز قدرت و یکه‌سالاری جبارانه که در جامعه سنتی ایران ارزش محسوب می‌شد، همچنان پای می‌فشرد، اما اینکه نه توان عملی اجرایی این الگو را داشتند و نه شرایط جهانی به آنها اجازه چنین عملی را می‌داد.

در واقع پادشاهان قاجار نه اقتدار کاریزماتیک داشتند و نه به دانش فرمانروایی آراسته بودند، بنابراین اگر چه با توسل به زور به حاکمیت خویش ادامه می‌دادند، اما اقتدار لازم را نداشتند. با وجود این سعی می‌کردند با القاب و عناوین خودساخته یاد پادشاهان قدرتمند و دادگر را تداعی کنند، اما هیچ‌گاه لقب‌پردازیه‌ها موجب نشد اعتماد عمومی به آنها جلب شود. ناگفته نماند روحانیت نیز در تقابل با حاکمیت و رقابت در شأن و منزلت اجتماعی همواره در این بی‌اعتمادی نقش داشت.

قاجارها منحصرأ با ضرب شمشیر به قدرت رسیدند. مفاهیمی همچون «نظر مردم» و یا «پشتیبانی مردمی» ممکن است برای پاره‌ای از رهبران سیاسی در قرن بیستم معنا و مفهوم داشته باشد، ولی امثال آغامحمدخان، فتحعلی شاه و یا محمدشاه در دو قرن پیش حتی به فرض هم اگر چنین مفاهیمی را درک می‌کردند، برایشان ارزش و اهمیت زیادی قایل نبودند. ۲ به عبارت دیگر صرف تسخیر قدرت بود که اهمیت داشت و نه هیچ ملاحظه دیگری و قاجارها نیز از این بابت کاملاً موفق و توانسته بودند قدرت را به‌طور کامل قبضه کنند، نفس تسخیر قدرت و در دست داشتن حاکمیت برای آنها خود به خود «مشروعیت» و مقبولیت به دنبال می‌آورد.

۲. فره ایزدی

به‌طور کلی از ابتدای پیدایش تمدن در فلات ایران، حکومت از دو ویژگی بنیادی برخوردار بوده است: اولاً قدرت مطلق داشت، به نحوی که بیرون از حکومت و مستقل از آن هیچ نهاد دیگری اعم از صنفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمی‌توانست به وجود بیاید. ثانیاً همواره به دور نهاد حکومت در ایران هاله‌ای از تقدس و الوهیت کشیده شده بود. این دو ویژگی را هم در حکومت‌های قبل از اسلام و هم بعد از آن شاهدیم. تنها تحولی که به نظر می‌رسد با آمدن اسلام صورت می‌گیرد، آن است که لفظ پادشاه یا شاهنشاه به خلیفه، امیر یا سلطان تغییر می‌کند. ۳ تا جایی که به قدرت مطلق و اقتدار بی‌چون و چرای حکومت مربوط می‌شود، این پدیده را می‌توان در جمله معروف «تمام ایران ملک مطلق شاه است» خلاصه کرد.

با آمدن اسلام، «تمام ایران ملک مطلق خلیفه می‌شود». ۴ ویژگی دوم، یعنی بر خور داری حکومت از جایگاه الهی و آسمانی نیز با آمدن اسلام تغییر چندانی نکرد. شاهان هخامنشی خود را مأمور و برگزیده از جانب اهورامزدا و حکومت خود را وسیله‌ای برای خدمت به یزدان پاک می‌دانستند. در حقیقت در فلسفه سیاسی ایران قبل از اسلام شاهان نیمی از رسالت و مغان و موبدان مذهب زرتشت نیم دیگر آن را به عهده داشتند. این رسالت به همراه جایگاه مقدس حکومت بعد از اسلام در یک محمل اسلامی جای گرفت. به عبارت دیگر، «سایه خدایی» و «واجب‌الاطاعه» بودن حکومت قاجارها در حقیقت ادامه فلسفه سیاسی بود که دو هزار سال قدمت داشت.

اگر شاه اسماعیل به هنگام جلوس بر تخت سلطنت در مسجد جامع تبریز بر سر منبر رفت و خطبه به نام دوازده امام خواند و تشیع را مذهب حاکم اعلام کرد، سه قرن بعد از او آغامحمدخان نیز به هنگام تاجگذاری دستور داد شمشیر شاه اسماعیل را از مقبره‌اش در اردبیل به پایتخت بیاورند و آن را به کمر بست و با این حرکت همچون شاه اسماعیل اعلام کرد سلطنت و شمشیرش هر دو در خدمت تشیع هستند. اگر چه او عرق و تعصب شاه اسماعیل را به تشیع نداشت، اما به نوبه خود پادشاه دینداری بود.

«بنا به معمول در شب‌های جمعه حکم اعدام نمی‌داد. نماز و روزه‌اش قطع نمی‌شد. شاید... پیاده رفتن او به مشهد نه از راه تقلید صرف از صفویه، بلکه از راه تحقیق و ارادت بود. میگساری را به شدت قدغن و ولیعهد را مجبور کرد در شیراز نیز — که مردم در ایام حکومت زند به رژیمی که از لحاظ اخلاقی سهل‌گیرتر بود، خو گرفته بودند — میگساری را قدغن کند. وقتی از رهگذر این ممنوعیت به طور غیرمستقیم استعمال تریاک رواج یافت، از روحانیون خواست علیه مواد مخدر موعظه کنند. در... گرماگرم لشکرکشی‌اش علیه لطفعلی‌خان زند دستور داد یک ضریح مطلا برای مرقد نجف بسازند. چندی بعد شیخ‌الاسلام اصفهان را به کربلا فرستاد تا بر طلاکاری حرم نظارت کند. وقتی مادرش عازم زیارت عتبات بود، بقایای اجساد اجدادش را از مقابر استرآباد (گرگان) بیرون آورد و به او داد تا دو باره در نجف به خاک بسپارد.» ۵

اگر وصف دینداری آغامحمدخان به چند سطر محدود شود، شرح تدین فتحعلی شاه، دومین پادشاه قاجار به چندین صفحه می‌رسد. سایر پادشاهان قاجار نیز از رسوم و مناسک تشیع پیروی می‌کردند و این امر را یکی از پایه‌های مشروعیت حکومت خود می‌دانستند.

۴. روحانیون و علمای شیعه

به موازات پایان گرفتن عصر هرج و مرج دهها سال جنگهای خانمان‌برانداز داخلی بعد از انقراض صفویه — که با به قدرت رسیدن سلسله قاجار همراه است — سه جریان باعث شد تا علما به تدریج بخشی از نفوذ و قدرت زمان صفویه را بازیابند: بیریشگی مذهبی شاهان و فرمانروایان قاجار عامل اول بود. برخلاف سلاطین صفوی، حکام قاجار نه مشروعیت خاصی داشتند و نه پیشوای دینی قبایل و پیروان خود به شمار می‌آمدند. آنچه حاکمیت آنان را برقرار کرد، ضرب شمشیر در اطراف و اکناف مملکت بود. آنان مجبور بودند با تکریم علما مشروعیتی برای خود دست و پا کنند. این بدان معنا نیست که شاهان قاجار به مذهب بی‌اعتنا بودند. بالعکس آنان ضمن آنکه خود افرادی مذهبی بودند، به علما نیز احترام زیادی می‌گذاشتند. این احترام علاوه بر اینکه منعکس‌کننده اعتقاد قلبی آنها بود در عین حال خود را بی‌نیاز از تأیید علما نمی‌دیدند.

عامل دوم، شروع جنگهای ایران و روس بود. علما با صدور فتوای جهاد و تشویق و ترغیب مردم برای پیوستن به جنگ نقش بالاهمیتی از نظر حکومت پیدا کرده بودند. حداقل مادام که جنگ برقرار بود، حکام قاجار سعی می‌کردند هر چه بیشتر اسباب رضایت خاطر علما را فراهم کنند تا از مساعی آنان در مقابل دشمن پرقدرت خود امپراتوری روسیه بهره جویند.

اگر دو عامل نخست بیشتر ناشی از تغییرات سیاسی کشور بود، ریشه عامل سوم خود روحانیت بودند. جنگ عقیدتی بین دو مشرب فکری اصولی و اخباری که علمای شیعه را ظرف چند قرن به دو گروه تقسیم کرده بود، سرانجام با پیروزی علمای اصولی پایان یافت. برخلاف اخباریان که معتقد بودند علما نمی‌توانند از قلمروی احادیث، روایات و اخبار مطمئن خارج شوند، اصولیها معتقد بودند به کمک تفسیر و برداشت از اصول علما می‌توانند به موازین تازه‌تری دست یابند و در صورت نیاز احکام جدیدی صادر کنند. این پیروزی پیامدهای مهمی برای روحانیت در برداشت که مهم‌ترینشان عبارت بود از اینکه هر فرد شیعه در صورتی که خود مجتهد نبود، مکلف می‌شد از یک عالم مجتهد تقلید کند.

از آنجا که شاهان قاجار نمی‌توانستند همچون صفویان — که خود را از نسل امام هفتم می‌دانستند — مدعی ارتباط نَسَبی با امامان معصوم باشند و از این طریق مشروعیت و اقتدار کسب کنند، تلاش می‌کردند با «ظل الله» خواندن خود، حقانیتی مبتنی بر اعتقادات مردم به دست آورند، اما ادعای حکومت یافتن ایشان از سوی خدا فقط جنبه صوری داشت و به همین دلیل شاید در این تصور بودند که باید کوششهایی برای موجه جلوه دادن ظل‌اللهی خودشان از رهگذر اصلاحات مذهبی به عمل آورند تا از رعایا بیعت بگیرند و این کاری بود که تنها از دست علما برمی‌آمد که با وساطت آنان قابل تحقق بود.

به‌علاوه علما که از زمان صفویان موقعیت خود را به عنوان نمایان واقعی امام معصوم استحکام بخشیده بودند، حاملان مکتب و نظریه سیاسی شیعه بودند که از اساس منکر حقانیت تمامی حکومتها در زمان غیبت بود. ایشان در مواردی تلاش کرده بودند حکومتهای موجود را به عنوان واقعیتهایی بالفعل با استفاده از برخی ساز و کارهای موجود در منابع شیعی به‌گونه‌ای توجیه نظری و عقیدتی کنند تا از این طریق موقعیت خود و مذهب شیعه را در کشور حفظ کنند.

این آموزه‌ها در اوایل روی کار آمدن قاجاریه با توجه به از سر گذراندن یک دوره بی‌ثباتی و ناامنی نسبی — که از برافتادن صفویان تا برآمدن قاجاریان و حتی در دوره حکومت آغامحمدخان کشور را فرا گرفته بود — روحانیون را برمی‌انگیخت تا به گونه‌ای محتاطانه حکومت را تأیید کنند و در بسط اقتدار آن مادامی که حرمت شریعت و شئون ایشان را رعایت می‌کند، بکوشند.

۱. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۱، ص ۵۵.

۲. صادق زیباکلام، سنت و مدرنیته...، صص ۱۸۴-۱۸۵.

۳. همو، ما چگونه ما شدیم، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹.

۴. همان، ص ۱۰۶.

۵. حامد الگار، ایران بین دو انقلاب، صص ۸۱-۸۲.

منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۷۷۰/حاکمیت-تداوم-لاصلی-عام-غلبه-قهر>